

جلد

[لوگو دانشگاه هنر برلین]

کامن گروند (زمینه مشترک) ۲۰۱۶-۲۰۲۳

دانشگاه هنر برلین

گروه مبتکر دانشجویی کامن گروند (زمینه مشترک) در پروژه حمایت از پناهندگان (اس یو ار ای) که توسط چند دانشجوی ارتباطات اجتماعی و تجاری در دانشگاه هنر برلین در سال ۲۰۱۵ تأسیس شد، سرچشمه گرفت. این پروژه پاسخی مستقیم به جنگ در سوریه بود. تعداد قابل توجهی از افرادی که به دنبال پناهندگی در برلین هستند. دو دانشجوی سابق دانشگاه هنر برلین، بنیامین گلات و الیزابت هوشک، در آن سال به عنوان بخشی از پروژه پایان نامه لیسانس خود، نام آن را به قالب فعلی تغییر دادند، و طرحی بلندمدت را متصور بودند که دیوارهای نهادی را برای ارائه فضاهای خوشایندتر باز می کند. از ابتدا، هدف این طرح حمایت از افرادی بود که مهاجرت اجباری را تجربه کرده اند، ارائه مشاوره و فرصتهایی برای تعامل با خلاقان محلی و سازمانها. در طول سالها، برای ارائه کمک بیشتر توسعه یافته است که احساس اجتماعی برای تازه واردان محروم، قبل و در طول فرآیند درخواست تحصیل آنها را فراهم آورد. این گروه همچنان مکانی برای برخوردهای خلاقانه بین دانشجویان دانشگاه هنر برلین و جوامع مختلف در برلین، و همچنین برای افزایش آگاهی در مورد مسائل مربوط به مهاجرت و تبعید است.

اعضای کامن گروند (زمینه مشترک) به عنوان میانجی بین دانشجویان آینده نگر و سایر ابتکارات دانشگاهی مانند استا (کمیته عمومی دانشجویی)، اینترنشنال افیس (دفتر بین المللی)، شنودیوم کنرال (مطالعات عمومی)، کالج شغلی برلین و ارتیست ترینینگ (برنامه آموزش هنرمندان) عمل می کنند. هر سال، این گروه پروژه های هنری اجتماعی را با و برای افرادی که مهاجرت را تجربه کرده اند، سازماندهی و تأمین مالی می کند. در طول هشت سال گذشته، این موارد شامل نمایشگاهها، اجراها، نمایش فیلمها، جلسات پرشور موسیقی، کارگاههای آموزشی و گروههای کتابخوانی و غیره بود. این حمایت از طریق برقراری تماسهای مفید با دانشجویان، هنرمندان و دیگر متخصصان و همچنین تأمین مالی اجرای پروژههای هنری صورت می گیرد. گروه مبتکر دانشجویی از طریق داد و وزارت آموزش و تحقیقات فدرال آلمان (ب ام ب اف) با تلاش های اینترنشنال افیس (دفتر بین المللی) بودجه دریافت کرد.

از سال ۲۰۲۰، کامن گروند (زمینه مشترک) همچنین برنامه کامن گروند استودیو را اجرا کرده است، یک برنامه آماده سازی مطالعاتی که امکان دسترسی به دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه هنر برلین را برای افراد محروم فراهم می کند. برای یک سال تحصیلی، از اکتبر تا ژوئیه، از شرکت کنندگان منتخب دعوت می کند تا به یکی از کلاس های تخصصی هنری آنها بپیوندند، به آنها وضعیت دانشجوی مهمان را اعطا می کند. این اجازه می دهد آنها به طور فعال در جلسات کلاس ها شرکت کنند، در پروژه های استودیویی شرکت کنند و از اساتید راهنمایی دریافت کنند. این برنامه فرصت ارزشمندی را برای دانشجویان آینده نگر فراهم می کند تا نمونه کارهای خود را برای برنامه های تحصیلی رسمی آماده کنند، بینش هایی را در مورد برنامه هنرهای زیبا در دانشگاه هنر برلین به دست آورند و تمرین هنری خود را بیشتر توسعه دهند. در نتیجه، دانشگاه دیدگاههای متنوعی را از افراد با استعداد به دست می آورد که در غیر این صورت ممکن است به دلیل نابرابری های ساختاری فرصت تحصیل در دانشگاه هنر برلین را نداشته باشند.

در این نشریه، نگاهی گذشته نگر به آغاز و مسیر کامن گروند (زمینه مشترک) می اندازیم: کارهای انجام شده، چالش های پیش رو، و دستاوردهای تجلیل شده. ما به نقاط پایین و بالا می پردازیم و بررسی می کنیم که کدام استراتژی ها مثر ثمر بوده اند و چه پتانسیل هایی در پیش است. برای به دست آوردن بینش بیشتر، ما این امتیاز را داشتیم که با شش عضو سابق و فعلی کامن گروند (زمینه مشترک) صحبت کنیم: بنیامین گلات، الیزابت هوشک، لیما وفادار، نرگس درخشان، فروغ آبالان و وینسنت هولم. دیدگاههای آنها بر اهمیت حیاتی مستمر کامن گروند (زمینه مشترک) در دانشگاه بر ارزش آن در حمایت از افراد محروم و پرورش یک جامعه هنری متنوع و فراگیر تأکید می کند.

بنیامین گلات و الیزابت هوشک در طول تحصیل خود در بخش ارتباطات در زمینه‌های اجتماعی و اقتصاد (گ و کا) دانشگاه هنر برلین با یکدیگر آشنا شدند. در سال ۲۰۱۵ بود که آنها در ابتدا ایده کامن گروند (زمینه مشترک) را تصور کردند. آنها با هم روی ایجاد و حفظ پلتفرمی کار کردند که هنرمندان در تبعید و تازه واردان در برلین را با دانشجویان و متخصصان جامعه هنری مرتبط کند. در طول هشت سال، آنچه که در ابتدا به عنوان یک پروژه ارتباطی برای پایان نامه کارشناسی آنها آغاز شد، به یک ابتکار پایدار تبدیل شد که اشکال مختلفی از ساختن جامعه را در بر گرفت.

در حال حاضر، الیزابت تحصیلات خود را در زمینه تولید فیلم در آکادمی فیلم و تلویزیون آلمان برلین دنبال می کند. او همچنین به عنوان تهیه کننده آزاد کار می کند و نقش های مختلفی را در مجموعه فیلم های تلویزیونی، سینما و سریال ایفا می کند. بنیامین از زمان فارغ التحصیلی، سرمایه گذاری های متعددی را تأسیس کرده است: یک سازمان غیردولتی که بر جوامع دیاسپوریک و هنرمندان در تبعید تمرکز دارد، یک شرکت اجاره فیلم و یک شرکت توسعه وب. او همچنین یک مشاور ارتباطات و یک مربی ارتباطات برای بزرگسالان جوان است.

کامن گروند (زمینه مشترک) در ابتدا چگونه توسعه یافت؟

الیزابت هوشک: در طول پروژه نهایی ما در گ و کا، به نام پروژه ارتباطی، گروه پنج دانشجوی ما قصد داشتند یک کمپین ارتباطی برای یک شرکت ایجاد کنند. در عوض، تصمیم گرفتیم با استا دانشگاه هنر برلین کار کنیم و کمپین آنها را که با نام اس یو ار ای (حمایت از فضاهای امن و افزایش آگاهی در داخل) را بیشتر توسعه دهیم. هدف ما ایجاد فضاهای امن و افزایش آگاهی در داخل آکادمی برای هنرمندانی بود که به تازگی از کشورهای خود فرار کرده اند. ما به عنوان یک رابط عمل می کردیم و دانش آموزان، معلمان و هنرمندانی را در تبعید که میخواستند تخصص خود را از طریق کارگاهها و سمینارها به اشتراک بگذارند، به هم متصل می کردیم. تمرکز اصلی ما تطبیق تقاضاها و پیشنهادات و ایجاد شبکه ای متراکم از ارتباطات بود. ناتالیا علی، که در آن زمان دانشجوی هنرهای زیبا بود، بحثی را در دانشگاه هنر برلین درباره نقش زنان در سوریه و چگونگی تغییر زندگی آنها در طول جنگ ترتیب داد و از این طریق ما را با جامعه ای که می خواستیم با آن ارتباط برقرار کنیم، معرفی کرد. این رویداد منجر به تقاضاهای بیشتر برای ادغام در زندگی آکادمیک و هنری در برلین شد. ما ابتکار را بازسازی کردیم و نام آن را تغییر دادیم و کار زیادی را برای ایجاد ساختاری پایدار انجام دادیم که بتواند موقعیتهای مشابه در آینده را برطرف کند.

چه نوع کاری در کامن گروند (زمینه مشترک) انجام دادید و برخی از اهداف و اصول راهنما آن چه بود؟

بنیامین گلات: ما می خواستیم پروژه ای معنادار ایجاد کنیم که تأثیری فراتر از ارائه پایان تحصیلات ما داشته باشد. در این مدت درگیری در سوریه اتفاق می افتاد و ما می خواستیم در دانشگاه هنر برلین به این موضوع بپردازیم. همه چیز بسیار پیچیده شد زیرا طرف های زیادی درگیر بودند: دانشگاه هنر برلین، استا، اساتید و دوستان.

اول، ما تأییدیه ای را از استا دریافت کردیم که می تواند پروژه حمایت از پناهندگان را در زیر چتر آن ارتقا دهد و سپس ما از طرف های مختلف دیگر از جمله شنودیم گنرال (مطالعات عمومی)، برلین کریبر کالج (کالج شغلی برلین)، اینترنشنال افیس (دفتر بین المللی) و بسیاری دیگر حمایت دریافت کردیم. قدم بعدی ما این بود

که همه اینها را به هم متصل کنیم و پروژه را در دسترس قرار دهیم. سپس بر درک نیازهای افرادی که می‌خواستیم حمایت کنیم- هنرمندان جوانی که پناهنده بودند- تمرکز کردیم. ما می‌خواستیم آنها را تشویق و توانمند کنیم. فکر می‌کردیم خیلی خوب است که هم از دانشجویان و هم از هنرمندان آینده‌ای که اینجا در تبعید هستند دعوت کنیم تا دور هم جمع شوند در دانشگاه هنر برلین و برقراری ارتباط، ساختن پروژه‌ها، و پیشنهاد یابرای تحصیل در دانشگاه پشتیبانی دریافت کنند. هدف ما این بود که باشیم رابط و نقطه تماس مستقیم پل شکاف بین دو گروه. ما می‌خواستیم ارتباط برقرار کنیم، حمایت کنیم، اطلاع‌رسانی کنیم، مستندسازی کنیم، و بسیج کنیم و آن را به یک تلاش جمعی تبدیل کنیم تا اینکه فقط یک پروژه هنری خوب باشد. ما از هنرمندان در تبعید و تازه واردان در برلین خواستیم که در پروژه‌ها شرکت کنند، تدریس کنند و مشارکت داشته باشند، در حالی که از تخصص دانشجویان دانشگاه هنر برلین نیز بهره ببرند. ما همچنین شروع کردیم به درخواست برای بودجه، ایجاد یک وب سایت، استفاده از تمام کانال‌های ارتباطی که داشتیم، و ایجاد چیزهای جدید کردیم، و سپس همه چیز شروع شد. من فکر می‌کنم ۹۰ درصد از کاری که ما انجام دادیم در واقع آن چیزی نبود که برای مطالعات خود، که یک پروژه ارتباطی بود، انجام دهیم.

الف ه: ما روی ایجاد یک شبکه اجتماعی که به طور ارگانیک رشد کرد تا نیازهای پروژه را برآورده کند تمرکز کردیم. ما جلسات جم، کارگاه‌ها و مشاوره نمونه کارها را سازماندهی کردیم و یک خبرنامه و وبلاگ داشتیم. **ما به دنبال شکاف‌هایی در دانشگاه بودیم که بتوانیم آن‌ها را باز کنیم و محیطی دلپذیرتر ایجاد کنیم.** وجه مشترک همه ما داشتن راهی بود برای غلبه بر موانع بوروکراتیک. ما موفق شدیم کمی فضا پیدا کنیم در روندگنگ برای نمایش پلتفرم‌های خود و هنرمندانی که با آنها کار می‌کردیم و ایجاد ارتباط بین هنرمندان و دانشجویان، جایی که همکاری با کالج حرفه‌ای دانشگاه هنر برلین قوی‌تر شد. ما خودمان را به عنوان یک گروه مبتکر دانشجویی می‌دیدیم، اما هنرمندان زیادی به سمت ما می‌آمدند که قبلاً تحصیل کرده بودند و قبلاً به عنوان حرفه ای کار می‌کردند. برلین کریبر کالج (کالج شغلی برلین) بیشتر با افراد حرفه‌ای کار می‌کرد، اما دانش‌آموزان همیشه در خانه‌شان حاضر می‌شدند و سعی می‌کردند بفهمند که چگونه مطالعه کنند. ما سعی کردیم همه آن نیروها را دور هم جمع کنیم و فضاهایی برای برخورد ایجاد کنیم که به مردم این امکان را می‌دهد تا از طریق این شبکه راه خود را پیدا کنند. ما هم بیرون رفتیم و مستقیم با مردم درگیر شدیم در رویدادهای مختلف در برلین اتفاقات زیادی در جریان بود اما در دایره‌های کوچکی که گاهی با هم همپوشانی داشتند. ما سعی کردیم همپوشانی بین صحنه‌های مختلف را افزایش دهیم و ارتباط دهان به دهان را تقویت کنیم. این به ما کمک کرد تا مخاطب جذب کنیم و همینطور پروژه را شناخته شده کنیم.

چه نوع پاسخی به کامن گروند (زمینه مشترک) از مخاطبان مورد هدف خود دریافت کردید؟

الف ه: علاقه زیادی از همه طرف وجود داشت، از جمله تازه واردها، دانشجویان، دانشگاه و دیگران. برخی از درخواست‌ها شامل موارد فوری مانند یافتن مسکن برای مردم بود، اما ما می‌دانستیم که نمی‌توانیم به یک نهاد جستجوگر تبدیل شویم. در عوض، ما بر انتشار اخبار و ارتباط خصوصی دانشجویان متمرکز شدیم. گاهی اوقات ما موفق می‌شدیم بیشتر در کارهای جانبی شرکت کنیم، اما به سرعت متوجه محدودیت‌های خود و اهمیت دنبال کردن هدف پلتفرم و ارتباط شفاف با آن شدیم. برخی از افراد ممکن است از این موضوع ناراحت شده باشند زیرا انتظار حمایت داشتند در تمام جنبه‌ها.

چگونه به این وظیفه حساس کمک به افراد نیازمند برخورد کردید؟

الف ه: ما می‌دانستیم که مثل بسیاری از گروه‌ها به‌عنوان یک گروه سفید از مردم که این کار را آغاز می‌کنند، می‌توان آن را مجموعه ناجی بچه‌های آلمانی ثروتمندی دیده شود که از «پناهندگان فقیر» حمایت می‌کنند. ما از دانشجویان دانشگاه هنر برلین که قبلاً با این زمینه مرتبط بودند دعوت کردیم تا ابتکاراتی ایجاد کنند و نظرات خود را در مورد اینکه چگونه باید در مورد کارها پیش برویم، ارائه دهند. ما واقعاً می‌خواستیم برخوردی در سطح چشم داشته باشیم و نه چیزی که از بالا آمده یا به هیچ وجه تحقیرآمیز باشد.

ب گ: ایده این بود که در وهله اول به مردم به عنوان پناهنده برخورد نکنیم، بلکه به عنوان انسان‌هایی با استعداد برخورد کنیم. ما می‌خواستیم در دانشگاه هنر برلین گرد هم بیاییم و با هم چیزی بسازیم تا ببینیم آیا می‌تواند نتایج خوبی برای همه طرف‌ها داشته باشد یا خیر، و ببینیم چه کسی می‌تواند چه کمکی داشته باشد. وقتی صحبت از این بود که چه می‌خواهیم با کامن گروند (زمینه مشترک) انجام دهیم و چه نمی‌خواهیم انجام دهیم، این همیشه اساسی‌ترین باور بود.

چگونه می‌گویید که کامن گروند (زمینه مشترک)، که پروژه‌های چند جهته است که هم تازه واردان و هم دانشگاه از آن سود می‌برند، این پتانسیل را دارد که همه افراد درگیر را متحول کرده و تحت تأثیر قرار دهد و دانش و اخلاق را فراتر از محدوده اولیه خود گسترش دهد؟

ب گ: این سوال به این موضوع اشاره می‌کند که اگر مردم از یکدیگر حمایت کنند به چه معناست و چگونه می‌توانید این کار را انجام دهید، به خصوص اگر فردی آشکارا در موقعیت نامطلوب تری قرار داشته باشد. در روانشناسی مفهومی به نام رویکرد سیستمی وجود دارد که در آن اگر راه حلی داشته باشید که برای شما مناسب باشد، مشکل خاص کمتر مرتبط می‌شود. اگر این ایدئولوژی را بر روی رویکرد ما قرار دهید، می‌توانم بگویم که ما بر روی نیاز مردم و پناهنده بودن تمرکز نکردیم، بلکه بر یک چیز مثبت تمرکز کردیم، و آن این است که ما همه انسان هستیم و چیزی برای مشارکت و اشتراک‌گذاری داریم. با همدیگر. این فراتر از حمایت است. این گونه تصور می‌کنم که شامل کار کردن است. این در مورد ارزش‌گذاری شما به عنوان یک انسان، دیدن شما در سطح چشم و تلاش برای غنی‌سازی یکدیگر از طریق فعالیت یا گفتگو است. این ایدئولوژی، در طول پروژه کامن گروند (زمینه مشترک)، در مورد نحوه تعامل با مردم، صرف نظر از پیشینه آنها، قطعاً به من چسبیده است. و، البته، پیشینه آنها هنوز چیزی است که باید در نظر داشت.

الف ه: قصد ما این نیست که از کمک به دیگران در مواقع بحران بکاهیم. من واقعاً از افرادی که در صورت نیاز کمک می‌کنند قدردانی می‌کنم. با این حال، نه تنها برای من، بلکه برای بسیاری از مردم، تصور اینکه چگونه می‌توان واقعاً تأثیری گذاشت که فراتر از دست دادن است، تغییر کرده است. مثلاً از طریق بحث‌های سیاسی و ایجاد دوستی‌ها این اتفاق می‌افتد. برای من با ارزش‌ترین چیز این بود که با افراد و دیدگاه‌های مختلف آشنا شوم که به طرق مختلف با ما درگیر بودند. در پایان، من هنوز در جامعه‌ای که حاصل کاری که انجام دادیم بسیار لنگر هستم. من با بسیاری از افرادی که از طریق گروه مبتکر دانشجویی با آنها آشنا شدیم در تماس هستم. بهترین چیز در مورد عواقب کامن گروند (زمینه مشترک)، تقویت جامعه هنرجویان و هنرمندان بود.

ب گ: در طول به اصطلاح "بحران پناهندگان"، بیشتر مشکلات ناشی از عدم تماس مستقیم با کسانی بود که از کشور خود گریخته بودند. هیچ تماس مستقیمی وجود نداشت، بنابراین آنها یک تصویر در تلویزیون باقی ماندند. از طریق کامن گروند (زمینه مشترک) و تماس با مردم از ملل و زمین‌های مختلف، اغلب این احساس را داشتم که این حباب شکسته شده است، که تأثیر مثبت پایداری بر افراد درگیر داشت. اگر

بخواهم دلیل مشترک را توضیح دهم بسیار ارزشمند است، به ویژه برای دانش آموزان، خروج از حباب آنها، در واقع ارتباط با دیگران، و در نهایت تحمل بیشتر از این طریق است. من فکر می‌کنم که کامن گروند (زمینه مشترک) لزوماً فقط وابسته نیست در مورد بحران بعدی که قطعاً در راه است. این نقطه اتصال دیگری است که دانشگاه هنر برلین، این محیط، و این شیوه زندگی، تفکر و بودن را به دنیای بیرون باز می‌کند. و می‌تواند با بسیاری از علل سازگار شود، نه فقط با بحران.

مصاحبه لیما وفادار

لیما وفادار در اوایل سال ۲۰۱۱ از ایران به آلمان آمد تا مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته رسانه های فرهنگی در دانشگاه پادربورن ادامه دهد. او قبل از مهاجرت، فارغ التحصیل مدرک مشترک در رشته نقاشی ایرانی و طراحی چاپ از دانشگاه علمی کاربردی تهران بود. لیما که مایل به ادامه فعالیت هنری و خلاقانه خود بود، به برلین نقل مکان کرد و در دانشگاه هنر برلین ثبت نام کرد. برای مطالعه هنرهای زیبا در طول تحصیل، او همچنین به عنوان دستیار دانشجو در شنودیوم گنرال (مطالعات عمومی) کار کرد، جایی که در پروژه های خلاقانه برای تازه واردان مشارکت داشت. از جمله آنها کامن گروند (زمینه مشترک) بود، گروه مبتکر دانشجویی که او در سال ۲۰۱۵ پس از ملاقات با بنیانگذاران بنجامین گلات و الیزابت هوشک به آن پیوست. لیما به عنوان فردی که می‌توانست شخصاً با مبارزات افرادی که از جنگ و سایر شرایط دشوار فرار می‌کردند همذات پنداری کند، از صمیم قلب در ایجاد فضاهای خوشآمد و احساس اجتماعی برای تازه واردان در داخل و خارج از دانشگاه مشارکت داشت. امروزه او به عنوان یک درمانگر روان تنی کار می‌کند و به توسعه فعالیت هنری خود ادامه می‌دهد.

چگونه در کامن گروند (زمینه مشترک) درگیر شدید و چرا احساس کردید که مجبور به پیوستن شدید؟

لیما وفادار: من برای یافتن جایگاهم در آلمان به عنوان یک خلاق و هنرمند مسیری طولانی را طی کردم. در سال ۲۰۱۱ با آرزوی ادامه فعالیت خلاقانه و هنری خود به برلین نقل مکان کردم. برای رسیدن به این هدف، شروع به یادگیری زبان آلمانی کردم و برای دانشگاه هنر برلین درخواست دادم. در اوایل سال ۲۰۱۵، به عنوان دستیار دانشجو در بخش شنودیوم گنرال (مطالعات عمومی) در دانشگاه هنر برلین شروع به کار کردم، جایی که پروژه های خلاقانه ای را برای تازه واردان توسعه دادم. آنها بستری را برای همکاری با دانشجویان و همکاران در زمینه ایجاد فضای امن برای تازه واردان فراهم کردند تا صدای خود را پیدا کنند. در صحنه هنری برلین در حین کار در آنجا با بنیانگذاران کامن گروند (زمینه مشترک) آشنا شدم. من واقعاً از ایده آنها برای تأسیس قدردانی کردم. یک ظرف بزرگتر که پروژه های خلاقانه مختلف را در سراسر آلمان به هم متصل می‌کند. آنها می‌خواستند فضایی برای دانشجویان و تازه واردها بسازند. برای ملاقات در دانشگاه و به اشتراک گذاشتن ایده های خود و همچنین برای ساخت این دیجیتال. من این را فوق العاده یافتم و به گروه ترجمه فارسی پیوستم برای کمک به ماموریت زیبای کامن گروند (زمینه مشترک).

اهداف اصلی کامن گروند (زمینه مشترک) در زمانی که شما در آنجا فعال بودید چه بود؟

ل واو: ما از زمینه های مختلف مطالعات خلاق در دانشگاه هنر برلین گرد هم آمدیم. فضای جلسه ما استا بود که در آن درباره نحوه ارائه پلتفرم خود به رئیس دانشگاه و موسسات مختلف در دانشگاه هنر برلین بحث کردیم. ما می خواستیم ارتباطی برقرار کنیم که به ما کمک کند. برای باز کردن فضاها و تخصیص منابع برای تازه واردان در آلمان که مشتاق شرکت در پروژه های خلاقانه بودند. ما به دنبال پاسخگویی به آرزوهای قلبی این تازه واردان با فراهم کردن بستری برای دیده شدن و شنیدن آنها، و با باز کردن اتاق هایی در مؤسسات مختلف دانشگاه هنر برلین و همچنین بسیاری از مؤسسات خلاق دیگر در آلمان بودیم. قصد ما تامین بودجه بود برای افرادی که دلایل بزرگی برای تحقق جاه طلبی های خلاقانه خود داشتند. برای کمک به درخشش این استعدادها با گوش دادن به آنها و ایجاد یک جامعه حمایتی.

ما فراخوان های آزاد را برای هنرمندان ترتیب دادیم و تلاش های خود را برای رسیدن به تازه واردانی که تازه وارد آلمان شده بودند، گسترش دادیم. ما همچنین در مورد پروژه خود در کنفرانس ها صحبت کردیم و با مؤسسات بزرگتر در سراسر آلمان با هدف متحد کردن ابتکارات مشابه در شهرهای مختلف ارتباط برقرار کردیم. در دانشگاه هنر برلین، ما جلساتی در باغ با دانشجویان، اساتید و تازه واردان داشتیم، که در آن در مورد اینکه چه کسی هستیم، چشم انداز ما چیست، به چه کسانی نیاز داریم و به چه منابعی نیاز داریم، بحث کردیم. از طریق به اشتراک گذاشتن دیدگاه خود، می توانیم با گروه های کوچکتری از مردم ارتباط برقرار کنیم و مراحل بعدی را درک کنیم.

چگونه شخصاً به مأموریت کامن گروند (زمینه مشترک) متصل شدید؟

ل واو: برای من، کامن گروند (زمینه مشترک) مهمترین جامعه برای دانشجویان و تازه واردان در دانشگاه هنر برلین بود. این حس اجتماعی را به شما می دهد که در آن همیشه می توانید افرادی را با علایق یکسان و همدلی مشابه پیدا کنید که می خواهند پروژه های خلاقانه انجام دهند اما نه به تنهایی. در آن زمان یک آسیب جمعی بسیار بزرگ در حال رخ دادن بود. به عنوان یک ایرانی متولد جنگ ایران و عراق، نمی توانستم ساکت بمانم. زمانی که جنگ سوریه اتفاق افتاد، تمام کارهای هنری و خلاقانه من درگیر اتفاقاتی بود که از نظر اجتماعی و سیاسی می افتاد. من به یاد دارم که تنها چیزی که می تواند زنده نگه داشتن ما در ایران در زمان جنگ حس اجتماع بود. دانستن اینکه بسیاری دیگر نیز همین تجربیات را به اشتراک می گذارند به ما احساس امنیت داد عضویت در کامن گروند (زمینه مشترک) بسیار ارزشمند بود زیرا فرصتی را برای ملاقات با افرادی با اشتیاق یکسان، به اشتراک گذاشتن منابع و حضور یکدیگر به روش های درمانی، خلاقانه و سرگرم کننده فراهم می کرد.

چرا ادامه حیات کامن گروند (زمینه مشترک) در دانشگاه هنر برلین مهم است؟

ل واو: جهان به افرادی نیاز دارد که گوش دهند و به اندازه کافی شجاع باشند که اقدام کنند. افرادی که آسیب های جنگی را تجربه می کنند، تجربیات وحشیانه زیادی را پشت سر می گذارند. آنها اغلب مجبورند عزیزان خود را پشت سر بگذارند. برای افرادی که صدای خود را از دست داده اند و احساس تنهایی می کنند، داشتن کسی ارتباط با آنها و بیان آنچه آنها تجربه می کنند بسیار مهم است. حتی اگر کلماتی برای بیان احساسات خود نداشته باشند، می توانند از طریق خلاقیت این کار را انجام دهند. یادم می آید که وقتی شروع کردیم برقراری ارتباط چقدر سخت بود. در کامن گروند (زمینه مشترک)، ما افراد زیادی داشتیم که می توانستند ترجمه کنند، با سیستم آشنا بودند، و می دانستند چگونه برای مردم حضور داشته باشند و آنها را به بینش شان و حمایت درمانی مرتبط کنند. من فکر می کنم فراهم کردن فضاها برای خلاقانه برای کسانی که قلب بزرگ و توانایی گوش دادن دارند بسیار مهم است، به آنها اجازه می دهیم ایده های خود را به اشتراک بگذارند و با کسانی که تجربه های زیادی را پشت

سر گذاشته‌اند در ارتباط باشند و به آنها کمک کنیم تا خود را به هر نحوی که می‌توانند بیان کنند. با انجام این کار، می‌توانیم افراد قوی‌تر، متمرکزتر و بیشتر را پرورش دهیم جامعه حمایت‌کننده برای نسل آینده.

از طریق کار در کامن‌گروند (زمینه مشترک) چه آموخته‌اید؟

ل‌واو: از طریق تجربیاتم با تازه‌واردان در دانشگاه هنر برلین، به اهمیت کارمان و اهمیت آن پی بردم. برای یادگیری نحوه تعامل با آسیب‌های جمعی بزرگ. ما به تدریج یاد گرفتیم که چگونه پروژه‌های خود را با افزودن منابع افزایش دهیم تا اطمینان حاصل کنیم که می‌توانیم فضای بیشتری را برای افراد و گروه‌های سنی بیشتری نگه داریم. به عنوان مثال، ما به یک هنر درمانگر در کنار خود نیاز داشتیم. بسیاری از مواقع به حضور روان‌درمانگر نیز نیاز داشتیم، به‌ویژه در پروژه‌های تأثیر بیانگر یا هنگام کار با کودکان. ما همیشه به افراد بیشتری نیاز داشتیم، به خصوص آنهایی که به زبان‌های مادری شرکت‌کنندگان مسلط بودند تا فضایی را برای افرادی که در پروژه‌های خلاقانه شرکت می‌کنند، نگه دارند.

ایا کار شما در کامن‌گروند (زمینه مشترک) به هیچ وجه به شما در خارج از دانشگاه هنر برلین الهام بخش بوده است؟

ل‌واو: این تجربیات به من انگیزه داد تا مطالعات بیشتری را در زمینه درمان روان‌تنی دنبال کنم، که در آن یاد گرفتم چگونه با بخش‌های عاطفی و فیزیکی افراد به روشی بسیار خلاقانه ارتباط برقرار کنم و تروما را در محیط‌های فردی و گروهی درمان کنم. من همچنین این روزها هنوز مشغول هنر سیاسی خود هستم. من حس کار گروهی را دوست داشتم زیرا به عنوان یک هنرمند، گاهی اوقات با ایده خود احساس تنهایی می‌کنید. از طریق کامن‌گروند (زمینه مشترک)، احساس کردم چقدر مهم است که به اشتراک بگذارید و به متخصصان دیگری متوسل شوید که می‌توانند به شما در ایجاد کمک کنند. پس از اتمام تحصیلاتم در دانشگاه هنر برلین، همچنان خودم را وقف این کار کردم.

احساس کردم که چقدر برای رشد هنری خودم مهم است که از این طریق با مردم ارتباط بیشتری داشته باشم. من واقعاً امیدوارم که بتوانیم این روحیه را حفظ کنیم و بگذاریم به عنوان چراغی برای کسانی که جنگ را تجربه کرده‌اند یا در حال حاضر در آن زندگی می‌کنند بدرخشند. بسیار مهم است که بتوانیم دور هم جمع شویم و فضا را برای دیگران نگه داریم، نه از طریق یک روش سیستمیک سفت و سخت، بلکه از طریق قلب به قلب و ارتباط خلاقانه.

مصاحبه وینسنت هولم و فروغ آبسالان

وینسنت هولم در سال ۲۰۱۱ از کانادا به برلین نقل مکان کرد. قبل از ثبت نام در برنامه هنرهای زیبا در دانشگاه هنرهای برلین در سال ۲۰۱۷، او به عنوان معلم هنر، دستیار گالری و چاپگر در یک استودیوی سیلک کار می‌کرد. او در سال ۲۰۱۹ به کامن‌گروند (زمینه مشترک) پیوست و از سال ۲۰۲۰، او مدیریت استودیوی کامن‌گروند (زمینه مشترک) را بر عهده داشته است، یک برنامه آماده‌سازی یک ساله برای هنرمندان محروم که قصد تحصیل در دانشگاه هنر برلین را دارند. علاوه بر کار و تحصیل در دانشگاه هنر برلین، وینسنت همچنان به توسعه فعالیت هنری رسانه‌ای خود که با موضوع پیامدهای هنجاری درگیر است، ادامه می‌دهد.

فروع آبسالان هنرمند بینا رشته ای هنرالیاف اهل ایران است. او قبل از مهاجرت به برلین در سال ۲۰۱۸، در رشته طراحی پارچه و چاپ در دانشگاه هنر تهران تحصیل کرد. در سال ۲۰۲۱، او به عنوان دانشجوی در برنامه کارشناسی ارشد ارت این کانتکست به دانشگاه هنر برلین پیوست. سال بعد، او به عضویت کامن گروند (زمینه مشترک) درآمد و در حال حاضر در کنار وینسنت، استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) را مدیریت می کند. او همچنین در زمینه اجتماعی و فرهنگی گسترده تر، به ویژه در کار با افراد در جامعه کوپیر بی پی او سی، فعال است. آخرین پروژه هنری آموزشی و فرهنگی او مجموعه ای از کارگاه های جمعی با جوانان و کودکان مهاجر فلینتا* با همکاری سازمان های غیردولتی مختلف و مراکز اقامتی در برلین بود.

استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) چگونه شروع به کار کرد؟

وینسنت هولم: من در سال ۲۰۱۹ درباره فاندشین کلاس در وایسنزه مطلع شدم هنگامی که یکی از بنیانگذاران آن از دانشگاه هنر برلین بازدید کرد. چهار سال پس از به اصطلاح "بحران پناهندگی"، کار خود را به نمایش بگذارد. در آن زمان، فاندشین کلاس چندین سال بود که وجود داشت. فکر کردم واقعاً چیز جالبی بود که دوست داشتم با آن درگیر شوم، اما در آن زمان آنها به کمک بیشتری نیاز نداشتند. این مفهوم در من طنین انداز شد زیرا، با وجود اینکه مجبور نبودم از کشورم فرار کنم تا به آلمان بیایم، هنوز به عنوان یک خارجی وارد شدم و برای پریدن از میان همه حلقه ها و سردرگمی ها، بیشتر توسط خودم. فکر کردم، چرا چنین چیزی در دانشگاه هنر برلین وجود نداشته باشد؟ وقتی به کامن گروند (زمینه مشترک) پیوستم، این ایده را داشتم که همین کار را انجام دهم. من با نادیرا حسین، مارینا ناپروشکینا و اولف آمینده از فاندشین کلاس ملاقات کردم و از آنها خواستم تا چیزی مشابه را در دانشگاه هنر برلین امتحان کنم. سپس پاندمیک رخ داد. من تردید داشتم که آیا این کار می کند یا نه. من به دنبال اتاقی می گشتم و به نظر می رسید که یا هرگز قرار نیست یک فضای دائمی باشد، یا یک دفتر کار عجیب و غریب می بود و فقط کار نمی کرد. به برنامه دانشجویی مهمان فکر کردم، ساختاری به دست آوردم و از همه اساتید هنرهای زیبا پرسیدم که آیا حاضرند آن را امتحان کنند. و سپس ما آن را انجام دادیم و کاملاً خوب کار کرد.

دوره اول چگونه بود؟

واو ه: در سال اول ما در حال کشف همه چیز بودیم. سال ۲۰۲۰ بود، پنج سال از ورود تعداد زیادی از مردم به آلمان. ما در مورد اینکه کامن گروند (زمینه مشترک) برای چه کسی بود بحث کردیم، زیرا تعداد افراد جدیدی که در سال ۲۰۱۵ از سوریه و اکنون از اوکراین آمده بودند، وجود نداشت. هدف ما هنرمندان تبعیدی بود که در سالهای اخیر به آلمان آمده بودند و اکنون آرزوی تحصیل در رشته هنر را داشتند. تمرکز ما بر روی افرادی بود که آلمانی یا اروپای غربی نبودند.

برای شروع، با اساتید دانشگاه دانشگاه هنر برلین، از جمله ماتیلده تر هایجن، دیوید شوتر، هیتو استایرل و جیمی رابرت تماس گرفتم که با حمایت از اجرای آزمایشی موافقت کردند. با اجازه دادن به یک یا دو دانش آموز برای پیوستن به کلاس به مدت یک سال. این امر باعث می شود که دانشجویان یک مکان استودیویی و ارتباط با اساتید و دانشجویان داشته باشند. ایده ایجاد مسیرهای دسترسی و ارتباطات شخصی بود که در دنیای هنر بسیار مهم است. به یاد دارم که یکی از اولین شرکت کنندگان در استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) به استودیو رفت. دانشگاه هنر برلین برای اولین بار و منتظر ماند تا

استاد به او بگوید چه چیزی انجام شود و بعد هیچ اتفاقی نیفتاد. او بسیار شگفت زده شد زیرا در سوریه وضعیت کاملاً برعکس بود.

در تابستان یک فراخوان آزاد راه اندازی کردیم و متقاضیان را بر اساس نمونه کارها، انگیزه نامه ها و آمادگی برای تحصیل هنرهای زیبا در سطح دانشگاهی بررسی کردیم. همه اینها در طول همه گیری اتفاق افتاد، ما مجبور بودیم همه جلسات را به صورت آنلاین انجام دهیم، اما برخی از افراد علیرغم اینکه تقریباً غیرممکن بود، به استودیوها دسترسی پیدا کردند. در نهایت خیلی خوب از آب درآمد. برخی از افراد وارد نشدند، اما بیشتر آنها وارد شدند یا با وقت خود کاری واقعاً ارزشمند انجام دادند.

چگونه استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) بعدها توسعه یافت؟ آیا در سال های بعد تغییراتی را اعمال کردید؟

واو ۵: سال دوم از نظر ساختار بیشتر روی خلبان خودکار بود. در سال سوم، میخواستیم از طریق ابتکارات ساده‌ای مانند کار با هم، احساس قوی‌تری از جامعه را تشویق کنیم. در دانشگاه و جلسه برای نوشیدنی. در سال آینده، من امیدوارم که تلاش بیشتری از طرف شرکت کنندگان در زمینه ایجاد یک جامعه و مشارکت فراتر از حضور در جلسات اطلاعاتی انجام دهم. من همچنین می خواهم مطمئن شوم که آنها از ابتدا تا انتها به برنامه متعهد هستند. این یک فرصت ارزشمند است و ما باید برخی از متقاضیان را رد کنیم. وقتی کسی بعد از سه ماه ناپدید می‌شود و استادان را با جای خالی استودیو می‌گذارد، مایوس‌کننده است. من واقعاً می خواهم آنها را تشویق کنم تا از این پاس رایگان یک ساله و اساتیدی که مایل به کمک هستند بهترین استفاده را ببرند.

فروغ آبسالان: امسال نیز با افرادی از دانشجویان استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) و دانشگاه هنر برلین یک دوره رزیدنسی هنری دو هفته ای را در دانشگاه مدیریت کردیم. ما هر روز فعالیت های مختلفی مثل اجرا، نمایش و نمایشگاه داشتیم. ما در حال برنامه ریزی برای انجام مجدد اقامت با کارگاه ها و پروژه های مربوط به جامعه هنری بی پی او سی هستیم. در حال حاضر، من و وینسنت نیز برای ترم بعدی استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) برنامه ریزی می کنیم. مایلم شرکت کنندگان به برنامه کارشناسی ارشد هنر در زمینه نیز دسترسی داشته باشند. اکثر افرادی که از جامعه بی پی او سی می شناسم هنرمندانی هستند که در تبعید هستند و قبلاً حرفه ای دارند و برنامه کارشناسی ارشد برای آنها مناسب تر است. با این نوع دسترسی، می توانیم شرکت کنندگان بیشتری را نیز در خود جای دهیم.

آیا روش هایی نیز وجود دارد که دانشگاه می تواند به شما در بهبود این برنامه کمک کند؟

ف الف: هر سال این موضوع را داریم که می گویند فقط تا دسامبر می توانیم این کار را ادامه دهیم. ناامید کننده است که نمی دانیم سال آینده چگونه خواهد بود زیرا نمی توانیم از قبل برنامه ریزی کنیم. اگر دانشگاه بتواند از این برنامه به عنوان یک برنامه در حال انجام حمایت کند، بسیار خوب خواهد بود. همچنین اگر اینترنشنال افسیس (دفتر بین المللی) در دانشگاه هنر برلین ما را بیشتر در فرآیند تصمیم‌گیری مشارکت دهد، مفید خواهد بود، زیرا ما با نیازها و نگرانی‌های دانشجویان و استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) آشنا هستیم.

واو ۵: فکر می‌کنم در حال حاضر با قرار دادن افراد در کلاس‌های مختلف به خوبی کار می‌کند، اما مسئله این است که حفظ پویایی گروه سخت می‌شود. نیز خوب است که مستقل از دولت باشیم، زیرا مجبور نیستیم

تابع سرعت کند آن باشیم. به ما این امکان را می دهد که انعطاف پذیرتر باشیم و با واقعیت مطالعه هماهنگ شویم. با منابع بیشتر و کارکنان، قطعاً می‌توانیم تأثیر بیشتری داشته باشیم. ما با موضوعات نابرابری و تبعیض سروکار داریم، اما من شخصاً احساس نمی‌کنم که استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) در حال حاضر ظرفیت و منابع لازم برای رسیدگی به کل این مسائل را دارد.

چگونه استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) را برای جوامع مورد نظر و دانشگاه مفید می بینید؟

ف الف: به نظر من جالب و مفید است، اما مواردی وجود دارد که می توان آنها را تغییر داد. آنچه من و بسیاری از افراد دیگر می خواهند زمانی که در آلمان جدید هستند این کار را انجام دهند که برای دانشگاه درخواست دهند. من ابتدا برای شرکت در استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) درخواست دادم و اعضای کامن گروند (زمینه مشترک) به من توصیه کردند که به دلیل سابقه کار و تحصیلم برای رشته ارت این کانتکست درخواست کنم. در آن هنگام من چیزی در مورد آن نمی دانستم اما درخواست دادم و وارد شدم آن را بسیار بیشتر از سایر بخش ها به مسیر من مرتبط می دانم.

من همچنین در "چگونه در دانشگاه هنر برلین درس بخوانیم" و ارتیست ترینینگ (برنامه آموزش هنرمندان) شرکت داشتم. این به من کمک کرد، زیرا از آنجایی که در این کشور تازه وارد بودم و همه چیز بسیار طاقت فرسا بودم، کمی احساس گم شدن داشتم. به من اطمینان داده شد که همه چیز قابل مدیریت است و نیازی به نگرانی نیست. این تجربیات بسیار مثبت بود، و من امیدوارم که بتوانیم استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) را به افرادی که قبلاً حرفه ای دارند و نیازی به شروع از سال اول ندارند، گسترش دهیم.

واو ه: به دلیل شیوه‌های انحصاری در دانشگاه هنر برلین، افرادی هستند که با امتیازات و منابع بسیار بیشتری به آن برخورد می‌کنند و بدیهی است که شانس بیشتری برای موفقیت دارند. استودیو کامن گروند (زمینه مشترک) می تواند در اطراف این دیوارها کار کند تا به افرادی کمک کند که به همان اندازه هنرمندان شایسته و ماهری هستند، اما ممکن است درک سیستم مورد نیاز برای ورود را نداشته باشند. بسیاری از افرادی که به اینجا می آیند از یک پیشینه هنری کاملاً متفاوت هستند. انتقادی از دانشگاه وجود دارد که می پرسد واقعاً دانش آموز هنر بودن به چه معناست، آیا هنر اروپا محوری ساختن هنر اروپای غربی است یا به چالش کشیدن این طرز تفکر. من فکر می کنم که قرار دادن دانش آموزان و اساتید در ارتباط با دیدگاه ها و زمینه های مختلف باعث افزایش آگاهی در داخل دانشگاه می شود. اگر بدنه دانشجویی متنوع تر شود، معتقدم سیاستها نیز باید تغییر کند. ما بسیار خوش شانس هستیم که در اینجا هستیم و باید دسترسی به افرادی را که با شرایط فوق العاده سختی روبرو بوده اند یا به آن ادامه می دهند، گسترش دهیم. صرف نظر از بحران ها، همیشه نیاز به کامن گروند (زمینه مشترک) وجود خواهد داشت. شاید تا دو سال دیگر، اگر به حیات خود ادامه دهد، تمرکز دیگری داشته باشد.

مصاحبه نرگس درخشان

نرگس درخشان در سال ۲۰۱۶ با هدف گذراندن دومین مدرک لیسانس خود در زمینه ارتباطات در زمینه های اجتماعی و اقتصادی در دانشگاه هنر برلین به برلین نقل مکان کرد. او قبل از ورود به آلمان در رشته تئاتر تحصیل کرد و به عنوان کپی نویس برای آژانس های تبلیغاتی در تهران تجربه کسب کرد. در حال حاضر، او

دانشجوی کارشناسی ارشد فیلمنامه نویسی در دانشگاه فیلم بابلزبرگ کنراد ولف است و به عنوان فیلمنامه نویس و تدوینگر کار می کند.

نرگس در اولین روز معارفه خود در دانشگاه هنر برلین با کامن گروند (زمینه مشترک) آشنا شد و بلافاصله مجذوب مأموریت آن شد. مدت کوتاهی پس از آن، او تصمیم گرفت به گروه بپیوندد و تا پایان سال ۲۰۱۹ یک شرکت کننده فعال باقی ماند.

چه نوع پروژه هایی را با همکاران خود در کامن گروند (زمینه مشترک) انجام دادید؟

نرگس درخشان در ابتدا در حال بررسی این موضوع بودیم که چگونه به عنوان یک گروه از افراد با پیشینه های واقعاً متفاوت کار کنیم. من شخصاً این چالش را داشتم که فکر کنم مکان و نقشم را مشخص کنم و چگونه می توانم مفید باشم. هدف ما ارائه پروژه های جدید و کشف راه هایی برای بهبود حمایت از هنرمندانی بود که تازه وارد آلمان شده بودند و هیچ شبکه ای در اینجا نداشتند. ایده این بود که به آنها یک صحنه برای ارائه هنر خود در دانشگاه هنر برلین داده شود. در مقطعی، پروژه دیگری را شروع کردیم که واقعاً برایم عزیز بود، به نام «چگونه در دانشگاه هنر برلین تحصیل کنیم». ما تصمیم گرفتیم ذهن خود را کنار هم بگذاریم و تجربیات خود را از درخواست به اشتراک بگذاریم به دانشگاه هنر برلین، با افرادی که آلمانی نبودند. فکر می کنم یکی از موفق ترین رویدادهای ما نیز همین بود. علاوه بر آن، ما در حال برگزاری جلسات پارازیت موسیقی نیز بودیم در حیاط پشتی زیبای دانشگاه.

آیا می توانید در مورد رویدادهای " چگونه در دانشگاه هنر برلین تحصیل کنیم " بیشتر به من بگویید؟ چه چیزی در مورد این کار ارزشمند بود؟

نون دال: در آن زمان، ما از فیسبوک برای پیشبرد این رویداد استفاده می کردیم و این کمک زیادی کرد تا فراتر از شبکه های دوستانمان برسیم. افراد زیادی که نمی شناختیم در این رویداد حضور پیدا کردند، که عالی بود - افرادی که علاقه مند به مطالعه بودند.

در دانشگاه هنر برلین اما هیچ ایده ای نداشتند که چگونه یک نمونه کار از کار خود ایجاد کنند یا چگونه خود را معرفی کنند. در این رویداد، ما یک ارائه داشتیم و از دانشجویان دانشگاه هنر برلین دعوت کردیم تا نمونه کارهای ورودی خود را نشان دهند. پس از آن، یک جلسه پرسش و پاسخ داشتیم. برای من، ورود به دانشگاه هنر برلین بسیار سخت بود و بنابراین بزرگترین هدف من در کامن گروند (زمینه مشترک) بود برای کمک به آسان کردن کار برای دیگران فکر کردم، اگر فقط یک نفر بتواند این کار را به روشی ساده تر انجام دهد، آنگاه خوشحال خواهم شد. من فکر می کنم یکی از موفقیت های این رویدادها ارائه دوره های مطالعاتی بود که ممکن است مردم از آن اطلاعی نداشته باشند. ما با برخی از افرادی که به رویدادهای ما آمده بودند دوست شدیم و دو نفر از آنها در حال حاضر در دانشگاه هنر برلین تحصیل می کنند، در دوره هایی که معمولاً دانشگاه هنر برلین برای آنها شناخته شده نیست.

چه چیز دیگری به ویژه برای افرادی که در طول مدتی که شما در آنجا کار می کردید برای دستیابی به کامن گروند (زمینه مشترک) مهم بود و چگونه توانستید نیازهای آنها را برآورده کنید؟

نون دال: من فکر می کنم که هر اروپایی تصویری از پورتفولیو دارد. اما افراد غیر اروپایی که هنرمندان خوبی هستند ممکن است ندانند چگونه خود را معرفی کنند یا چه انتظاری داشته باشند. هرازگاهی افرادی با

ایده‌های عالی به سراغ ما می‌آمدند، اما نمی‌دانستند چگونه آنها را به شکلی ترجمه کنند که برای مخاطبان وسیع‌تر قابل درک باشد.

من فکر می‌کنم که به اشتراک گذاشتن تجربیات و کارنامه‌های خود با تازه واردان واقعاً مفید بود، زیرا به آنها مثال خوبی داد و ایده‌ای در مورد اینکه چگونه می‌توانند به آن دست یابند. از بیرون، دانشگاه هنر برلین می‌تواند ترسناک باشد. هنرمندان با استعدادی که به این جامعه و شبکه نیاز دارند، ترسیده بودند، زیرا نمی‌دانستند چگونه وارد شوند. به همین دلیل، ابتکاراتی مانند کامن گروند (زمینه مشترک) واقعاً مهم هستند. وقتی وارد شدم، به یاد دارم که کامن گروند (زمینه مشترک) یک بروشور به زبان فارسی و عربی داشت. با دیدن چیزی که می‌توانستم بفهمم، بلافاصله احساس استقبال کردم و به سمت کامن گروند (زمینه مشترک) جذب شدم. یادم هست یک جلسه جم که برگزار کردیم و چقدر شنیدن یک آهنگ ایرانی داخل دانشگاه برایم جالب بود. من فکر می‌کنم بسیار مهم است که دانشگاه هنر برلین را برای غیر اروپایی‌ها بازتر کنیم، برای افرادی که کمی از ورود به این نوع فضای آموزشی می‌ترسند.

آیا می‌توانید برخی از چالش‌هایی را که از طریق کار در کامن گروند (زمینه مشترک) با آنها روبرو شده‌اید به یاد بیاورید؟

نون دال: صادقانه بگویم، تعداد زیادی بودند. در ابتدا بزرگترین چالش رسیدن به گروه هدفمان بود. در ابتدا برای معرفی و پخش آگهی به کمپ‌های پناهندگان نیز می‌رفتیم. هر بار که رویدادی داشتیم، مردان زیادی حضور پیدا می‌کردند و در برخی مواقع فکر می‌کردم این درباره تنوع است، پس چگونه می‌توانم به زنان دسترسی پیدا کنم؟ بنابراین، در آن زمان، یکی از بزرگترین چالش‌های ما دستیابی به افرادی بود که می‌خواستیم واقعاً به آنها دسترسی پیدا کنیم. دیگری سازماندهی می‌کرد. من نمی‌خواهم کلیشه‌های هنرمندانی را که نمی‌توانند خود را سازماندهی کنند، تکرار کنم، اما وقتی صحبت از این نوع کارها می‌شود، اراده خوبی دارید، اما از طرف دیگر به دسترسی، برنامه نویسی و سازماندهی نیاز دارید.

آیا هنوز درگیر این نوع کار هستید یا برخی از درس‌های آموخته شده از طریق کامن گروند (زمینه مشترک) را در تلاش‌های فعلی خود به کار می‌برید؟

نون دال: در کارم به عنوان فیلمنامه نویس از این تجربیات بسیار استفاده می‌کنم. من که خودم تازه وارد بودم، فقط یک ناظر نبودم، بلکه یک شرکت کننده فعال بودم. من نه تنها از افرادی که با آنها روبرو شدم استفاده می‌کنم بلکه به تجربه خودم نیز فکر می‌کنم. این خاطرات به شدت بر نوشته‌های من و شخصیت‌های من تأثیر می‌گذارد - اینکه آنها چگونه دنیا را درک می‌کنند و چه احساسی کاملاً عجیب دارند، اما باید وانمود کنند که می‌دانند چه خبر است.

به نظر شما چرا داشتن طرحی مانند کامن گروند (زمینه مشترک) در دانشگاه هنر برلین مهم است؟

نون دال: آموزش نباید یک امر تجملی باشد، به ویژه در هنر. مردم باید به خودشان اعتماد کنند و به آن ضربه بزنند. اما، از بیرون، دانشگاه هنر برلین به عنوان یک دانشگاه فانتزی دیده می‌شود. به همین دلیل، مردم اعتماد به نفس لازم برای درخواست را ندارند. وجود کامن گروند (زمینه مشترک) به عنوان یادآوری این نکته مهم است که افرادی هستند که تجربیات شما را به اشتراک می‌گذارند و برای ارائه این دیدگاه که فقط برای افراد شیک، ثروتمند و ممتاز نیست. اینجا برای همه خوش آمد وجود دارد.

ما از همه اعضای کامن گروند (زمینه مشترک) تشکر می کنیم:

۲۰۱۶

عصلی، مونا
صاف، بنیامین
هافمن، لیاندر
هوشک، الیزابت
لاوفکوتر، آسترید
وفادار، لیما
ونت، جان

۲۰۱۷

ابو عصلی، مونا
درخشان، نرگس
فالهبر، لئو
صاف، بنیامین
حداد، دانا
هافمن، لیاندر
هوشک، الیزابت
خلیفه، فرح
وفادار، لیما
ونت، جان

۲۰۱۸

درخشان، نرگس
گینس، جاشوا
حداد، دانا
خلیفه، فرح
استگمن، سوفیا
وفادار، لیما
وایت، دیلن

۲۰۱۹

آستروپ-شاوو، ژان
درخشان، نرگس
استگمن، سوفیا
وایت، دیلن

۲۰۲۰

هافمن، لیزا
هولم، وینسنت

خواجه نصیری، فرشاد
لووریچ، آدلا

۲۰۲۱

المراعی، علی عدنان یاس
هافمن، لیزا
هولم، وینسنت
خواجه نصیری، فرشاد
لووریچ، آدلا

۲۰۲۲

آبسالان، فروغ
علیزاده، سعید
المراعی، علی عدنان یاس
هولم، وینسنت
خواجه نصیری، فرشاد
سیبک، شارلوت
زوبیتسکی، دیمیترو

۲۰۲۳

آبسالان، فروغ
علیزاده، سعید
الخوفش، مضار
هولم، وینسنت
پروتسکا، یوهنیا

دانشگاه هنر برلین، کامن گروند (زمینه مشترک) با همکاری اینترنشنال افیس (دفتر بین المللی) و ارتیسست
ترینینگ (برنامه آموزش هنرمندان)، کالج حرفه ای دانشگاه هنر برلین

اینترنشنال افیس (دفتر بین المللی): رجینا ورنر
ارتیسست ترینینگ (برنامه آموزش هنرمندان): دکتر. ملانی والدهایم
گروه هنرهای زیبا: پروفیسور دکتر. یورگ هایزر

کامن گروند (زمینه مشترک): بنیامین گلات، الیزابت
هوشک، لیما وفادار، وینسنت هولم،
فروغ آبسالان، نرگس درخشان

مصاحبه: آدلا لووریچ

ویرایش: مضار الخوفش
تصحیح کننده: آلیسون هوگیل
عکس ها: ارتیسست ترینینگ (برنامه آموزش هنرمندان)، ایپک سینار

طراحی گرافیک: کارولین لی و کوانگ نگوین
حروف چاپی: ایمپکت نیویو اثر جونگمیونگ لی،
کد ژوئن توسط پیتر اس بیکر

تیراژ: ۱۰۰

دانشگاه هنر در برلین
شرکت سهامی عام
به طور قانونی توسط رئیس جمهور نمایندگی می شود
پروفسور دکتر نوربرت پالز
اینشتینوفر ۴۳
۱۰۵۸ برلین

پروژه کامن گروند (زمینه مشترک) توسط دانشگاه هنر برلین ارائه می شود و توسط داود و وزارت آموزش و تحقیقات فدرال (بی ام بی اف) با همکاری اینترنشنال افسیس (دفتر بین المللی)، دفتر دانشجویی و ارتیسست ترینینگ (برنامه آموزش هنرمندان)، کالج حرفه ای دانشگاه هنر برلین تامین می شود.

[لوگو داد] [لوگو بی ام بی اف]

دانشگاه هنر برلین، ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۳

اطلاعات بیشتر: <https://www.udk-berlin.de/en/university/commitment-to-refugees>